

از: یادداشت‌های مرحوم حافظ نور محمد «کهگدای»

نائب امین الله مجاهد شهیر افغانستان در جنگ اول افغان و انگلیس

نائب امین الله متولد ۱۹۷۱ق در برکی راجان لوگر، پسر میرزا خان نائب الحکومه کشمیر در عصر اعلیحضرت تیمور شاه درانی که در کشمیر وفات نموده و به امر تیمور شاه میت او با احترام و عزت خاص از کشمیر انتقال و در لوگر بخاک سپرده شد.

تیمور شاه پسران او را غلام رسول خان، حیات خان، پاینده خان، اعظم خان، سرفراز خان و نائب امین الله خان را بحضور خواسته مورد تفقد شاهانه قرار داده و نائب امین الله خان خوردترین پسر میرزا خان را که شجاعت و دلیری خاصی داشت و از طرف مادر به محمد جان خان غازی میرسید بعد از معلومات زیاد، معاش مقررۀ همان زمان نائب الحکومگی کشمیر را برایش مقرر نموده فرمود: همین پسر هوشیار جای پدر را اشغال کرده میتواند. میگویند ملنگی از اهل طریقت با نایب مذکور بسیار شفقت و مهربانی داشت و همیشه دعا های مستجاب برویش میخواند. هکذا یکنفر از اهل هندو علاقه برکی راجان که در علم جفر (علمی که صاحبان آن مدعی هستند که بوسیله آن به حوادث آینده آگاهی پیدا میکنند- تالیست) را میدانست بصورت فخری نظاری نائب را کرده میگفت: «این شخص روزی یکی از رجال نامور و معروف افغانستان میشود».

هنوز نائب امین الله به تعلیم کتب فارسی، عربی و غیره مشغول بود که بذریعۀ فرمان تاریخی ۱۲۱۶ قمری از طرف اعلیحضرت شاه محمود بسرکردگی تمام خوانین لوگر بمعاش نائب الحکومگی پدر با اضافه چهار هزار روپیۀ پخته کابلی باسم شخص خودش مقرر گردید. نائب امین الله متعاقباً به نائب الحکومگی لوگر و بتخاک ترفیع داده شد. در عصر اعلیحضرت شاه شجاع نائب بحیث نائب السلطنه که او را «نائب شاهی» نام نهاده بود مقرر و حفیظ الله خان پسر نائب امین الله خان را به نائب الحکومگی لوگر و بتخاک عوض خودش و نصرالله خان پسر دیگر او نائب الحکومه کابل مقرر شد. بدین طریق نائب موصوف اجرای امور نیابت را بدست خود گرفته و اجراء مهم ولایت های افغانستان را ذریعۀ پسران خود اداره میکرد. تعداد پسران نائب صاحب شش و هریک اشخاص برجسته وقت بود و خدمات وطن پرستانۀ نائب امین الله در جهاد فی سبیل الله سال ۱۲۵۶ ق در صفحات تاریخ داخل و خارج ظاهر و باهراست.

برعلاوه آن نظربدرخواست مجاهدین غزنی در وقتیکه یک قسمت عساکر انگلیس در غزنی و قسمت دیگرش بسر کردگی شهزاده صفدر جنگ بن شاه شجاع بطرف کابل حرکت کرده بود، درمقابل همان اردوی فرنگی، روح الله خان و عظیم الله خان پسران خود را باتوپ و جبهه خانه بطرف غزنی حرکت داده که بسرکردگی همین دونفرمشران مجاهدین غزنی عساکر فرنگی را نابود ساخته چنانچه پای عظیم الله خان در اثر فیرانگلیسها مجروح شد و این حالت داستانیست که شعرای آنوقت به نظم درآورده اند.

نائب امین الله خان در وقت نیابت خود بولایت های مربوط افغانستان مانند کشمیر، پشاور، جلال آباد و قندهار سیاحت کرده و در هرجا از روی وطن دوستی کوششهای فراوان نمودند. سمیع الله یکی از پسران شان که حاکم «دهراود» بود در آنجا فوت شده بجوار جناب حضرت جی صاحب مدفون گردید. یک دختر شانرا سردارشمس الدین خان پسر سردار امیر محمد خان و دختر دیگر شانرا وزیر محمد اکبر خان پسر امیر دوست محمد خان بحباله نکاح داشتند.

ارتباط محمد جانخان غازی با نائب امین الله خان لوگری

مادر نائب امین الله خان دختر کمال خان نکه کلان محمد جان خان غازی میشد و سیدال خان پدر محمد جان خان نیز با دختر پاینده خان برادر زاده نائب امین الله خان ازدواج کرده بود بدین صورت محمد جانخان غازی نواسۀ برادر نائب صاحب یعنی پاینده خان میشود. و همشیره محمد جانخان را نورالله خان پسر روح الله خان گواسۀ نائب امین الله خان گرفته بود. جرنیل فیض محمد خان پسر سرفراز خان و کرنیل بهادرخان پسر پاینده خان که از نصب داران عصر امیر شیر علیخان بودند همراهِ محمد جانخان یکجا از طرف امیر عبدالرحمن خان شهید شد. معاش نائب امین الله خان در عصر شاه شجاع، صادرات لوگرو بتخاک بوده کلیه مالیات، مواشی و غیره نیز تعلق نائب صاحب بود که از همین درک معاش خوانین، سوارها و ملازمین را تادیه میکرد.

نائب امین الله خان ۸ ناظر داشت از قبیل ناظرکار خانه، کاریز، املاک، کاروان تجارت و غیره و شاغاسی او علی محمد خان نام داشت که خود نائب امین الله خان، قلعه برایش آباد کرده بود که در قریه برکی راجان تا حال بنام قلعه شاغاسی نائب امین الله خان شهرت دارد.

در اوایل حکومت محمد زایی، امیر دوست محمد خان، امیر محمد خان و نواب عبدالصمد خان برادران امیر مذکور و نیز سردار محمد اکرم خان و سردار حبیب الله خان پسران امیر دوست محمد خان به مهر قاضی القضاة محمد سعید خان برای نائب امین الله خان بوسیله شرعی مورخ ۱۲۴۴ ق، عهد نامه شرعی داده اند که کلیه صادرات لوگر و بتخاک مطابق عمل ماضیه دفتر خانه سلاطین قدیمه همراه با زمین سرخ آباد و تنگی داغجان عوض معاش نائب امین الله خان مقرر و قرارداد کرده شد که دست ملازمان سرکار تا مدام البقا قطع و کوتاه بوده، صرف مصارف شخصی بنماید. علاوه جزیه اهل هنود دار السلطنه کابل، سمت شمالی و لوگر نیز ضم معاش نائب صاحب بود. یک حویلی کلان در باغ نواب در زمان نیابت خود داشته که در وقت جهاد از همانجا صبح وقت بطرف سرای وزیر با ملازمان خود حرکت و سر الکساندر «برنس» را در بین سرای مذکور بقتل رسانیده بود.

قتل برنس نماینده سیاسی انگلیس در افغانستان:

واقعه قتل سر الکساندر برنس نماینده سیاسی انگلیس را سید احمد مسکونه کلنگار که اردلی نائب امین الله خان بود و تا عصر سلطنت امیر حبیب الله خان شهید حیات داشت واقعه جهاد را چنین بیان کرده است: برنس در سرای مادر وزیر میبود روزی نائب امین الله خان را برای ملاقات خواست، با ورود نائب، پیره دار سرای او را معطل ساخت تا از آمدن او به برنس اطلاع دهد. نائب صاحب تعجب کرد که همیشه برای ملاقات با وی ممانعتی نبود، بعد از مدتی ملا عبدالله که با اسم ملا امید یاد میشد نزد نائب آمده عرض کرد که برنس چند زن را نزد خود خواسته است، و علت معطلی شما همین است بعد از آنکه زنها توسط دولی از سرای خارج شد برنس، نائب صاحب را پذیرفت و گفت: شما که نائب شاه شجاع و پسر تان نائب الحکومه لوگر است در مدت سه روز سه هزار مرکب از لوگر جهت تهیه گدامهای افواج ما آماده سازید.

نائب امین الله خان گفت: از ابتدای بتخاک تا آخر لوگر چهل گروه راه است در ظرف سه روز امکان تهیه سه هزار مرکب نیست. برنس گفت: اگر تا سه یوم مرکب ها تهیه نگردد بشما حکم «پانسی» داده خواهد شد. (پانسی عبارت از چهار عدد سیخ گول هریک به قطر ۶ سانتی و طول ۵۰ سانتی پهلوی هم قرار داشته و توسط دسته بهم وصل بود انگلیس ها سیخ هارا بالای کوره آتش گذاشته تا آنکه رنگ سیخ ها سرخ میگشت بعداً مجرم را به زمین خوابانیده و پیراهنش را از تنش بیرون و توسط سیخ های داغ از کوره کشیده یکی از محافظان قوی هیکل شان به پشت مذکور میزد تا بمیرد. - تایپست).

نائب امین الله خان در باغ نواب بخانه خود بازگشت. سردار عبدالله خان غازی اچکزایی بنابر ملحوظاتی با نائب مخالفت داشت ولی با شنیدن زنانیکه نزد برنس بودند غیرت اسلامی اش بجوش آمده نزد نائب در باغ نواب رفت، نائب از او استقبال و روبوسی کرده باهم مذاکره کردند. امین الله خان گفت: بخداوند کریم قسم است که فردا براه دین رسول خدا جهاد میکنم. سردار عبدالله خان گفت: شما با صد ملازم خود بمقابل فرنگی ها چیزی کرده نمیتوانید، بهتر است که شما به بهانه سه هزار مرکب به لوگر رفته نفر جمع آوری کنید، من و عبدالکریم «پدر کلان عبدالوهاب خان ریزه کوهستانی» به شمالی جهت تهیه نفر رفته و من از آنجا و شما از لوگر بالای افواج فرنگی در کابل حمله میکنیم. ولی نائب از عزم خود نگشت و سردار عبدالله خان رخصت شد.

نصراالله خان، روح الله خان و عظیم الله خان پسران نائب امین الله خان پلان سردار عبدالله خان را درست دانسته گفتند که اگر نائب صاحب دعوتاً غذا میکند باعث قتل تمام عایله ما میگردد. شب بعد از صرف طعام آنها موضوع را با نائب صاحب در میان گذاشتند ولی نائب صاحب قبول نکرده بخواب رفت بعد از نماز تهجد پسران خود را بیدار کرده اظهار داشت: ای نورچشمانم! شما هراس نداشته باشید خالق بزرگ بمعاونت من ملائکه را مقرر کرده و احتمال دارد که در پشت من آثاری باشد پسران شان که پشت پدر را ملاحظه کردند که نشانه یک پنجه دست را دیدند و عزم پدر را تأیید و همت شان قوی گشت.

نائب امین الله خان صبح وقت قیام عمومی را علیه دشمن آغاز و شمشیر غذا بکمر بسته همراه با عمله و ملازمان مسلح بسواری اسب از راه چوب فروشی خود را بمسجد سرپل رسانیدند. اهالی تازه از نماز صبح فارغ شده بودند. امین الله خان از ملا امام مسجد خواهش کرد تا از بالای مسجد جهاد را اعلام کند. ملا میر حاجی در پل خشتی و دیگر ملاها در مساجد اعلان جهاد کردند و مسلمانان ساعت بساعت با آنها پیوسته یک شور و هلهله برپا گردید.

این صداها بگوش برنس رسید و او از سرای مادر وزیر که مقرش بود دونفر رانزد نائب امین الله خان فرستاد و برای شان بگوید: شما مردم افغان چه مسلک دارید که هر ساعت این آواز ها را میکشید، اگر کم خرچ میباشید دولت برتانیه پول کافی دارد برای شما میپردازد. نائب دو عسکر مذکور را بجواب آن بقتل رسانید.

چون برنس اوضاع را وخیم دید خود را در سرای مادر وزیر قلعه بند ساخت دروازه را بسته و از بالای آن خریطه های کلدان را بطرف بازار می انداختند تا مجاهدین را مصروف جمع آوری پول ساخته هدف آتش قرار دهند. اما

نائب به غازیان دستور داد : تازمانیکه برنس را به قتل نرسانیم کسی دست به کلدار ها نبرد همینکه غازیان در ورودی سرایرا به آتش کشیدند و جنگ شروع شد ، برنس که خود را پنهان کرده بود ، او را از زیر گل بته ها کشیده و امین الله خان نائب وی را بقتل رسانیده امر کرد که جسدش را در چهار چنه کابل آویزان کنید. آنوقت غازیان کلدارها را جمع کردند.

انگلیس ها که از قتل برنس واقف شدند عساکر مسلح را از طریق تخته پل شوربازار بسوی سرای مادر وزیر حرکت دادند مگر قبلاً غازیان راه را بر عساکر انگلیس با سنگ و چوب مسدود ساخته بودند. هنگامیکه عساکر انگلیس به کوچه علیرضاخان رسیدند راه کوچه بند بود، میخواستند بازگشت کنند غازیان بالای شان حمله کردند و ساکنین محل اکثر بیره های بامها، آتش، خاکستر، سنگ و چوب را از بامهای منازل خود بالای آنها میریختند. جنگ شدید در گرفت و عساکر زیادی بقتل رسیدند.

سردار عبدالله خان از شمالی و وزیر محمد اکبرخان از تاشقرغان بکابل آمده و با غازیان پیوستند. از طرفی «مکناتن» به نائب امین الله خان پیشنهاد مذاکره شد و محل آنرا در چمن مقابل شرق بالاحصار تعیین کردند و او در تجویز خود پلانی طرح کرده بود که در وقت ملاقات و مذاکره به سرکرده غازیان حمله کرده آنها را در بالاحصار میبریم ، از طرفی نائب امین الله خان، وزیر محمد اکبرخان، سردار عبدالله خان اچکزایی و نواب محمد زمان خان در بین فیصله کردند که هنگام مذاکره مکناتن را دنگیر نمایند.

بالاحصره مذاکره در محل معینه مذکور انعقاد یافت و مکناتن در حدود صد عسکر خود را بدروازه شرقی بالاحصار مستقر ساخته و هدایت لاهه برای شان داده بود. در جریان مذاکره وزیر محمد اکبر خان بالای مکناتن حمله و مکناتن را توسط تفنگچه خودش بقتل رانیدند و عساکر انگلیس بنای حمله را بالای چهار نفر غازیان نمودن ولی در اثر تهدید اسلحه دست داشته سردار سلطان احمد خان بطرف بالاحصار فرار کردند.

بعد از چندی رهبران و غازیان از جانب افغانستان نائب امین الله خان ، نواب محمد زمانخان و دوازده نفر دیگر سرکردگان افغان با ۱۲ نفر صاحب منصبان انگلیس معاهده ۱۲ فقره را به امضاء رسانیده و مهر کردند. اصل بعداً معاهده در موزیم کابل موجود است.

« حیدر علی ولد عبدالعزیز ولد روح الله خان ولد نائب امین الله خان مرحوم.»

پایان